

ترجمه، فرایندی بر پایه تعادل و تطبیق

موضوع: بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان

نگارش: محمد حسین فرشی

استاد راهنما: توران میرهادی

سال ۱۳۸۲ دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه بیرجند ۱۹۰ صفحه

O تهیه و تلخیص: آرزو انواری

ایرانیان نخستین (کیانیان و هخامنشیان) بودند. پس از آن و در دوره ساسانیان، به داستان‌ها افزوده شد. از جمله داستان‌هایی که از سایر ملل به پهلوی ترجمه شد، کلیله و دمنه و سندباد نامه است که خاستگاه هندی دارند. همچنین، می‌توان از بلوهر و بوداسف نام برد. بسیاری از این آثار، در دوران اسلامی، به عربی ترجمه شد.

با آغاز مشروطیت در ایران، حیات ادبی کشور نیز دگرگون شد. تحصیل‌کردگان ایرانی که از غرب بازمی‌گشتند، با ترجمه آثاری از فرانسه، انگلیسی و به ندرت از سایر زبان‌ها، فصل نوینی را در تاریخ ترجمه ایران گشودند. از همین رهگذر، آثاری چون کنت دو مونت کریستو و سه تفنگدار، به فارسی ترجمه و گونه ادبی رمان، تحت تأثیر ادبیات اروپا، وارد زبان فارسی شد. ترجمه کتاب‌های درسی و غیردرسی از متون اروپایی برای کودکان، از همین دوره آغاز می‌شود و در حوزه ادبیات کودکان اثر می‌گذارد.

از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، آثار خواندنی کودک و نوجوان افزایش یافت. علینقی وزیر، موسیقی‌دان برجسته، پس از ترجمه قصه‌ها، آن‌ها را به همراه شعرهایی از ادبیات عامیانه و شاعران ایرانی و غیر ایرانی، در سال ۱۳۱۵ شمسی، با نام خواندنی‌های کودکان افسانه است، منتشر کرد.

دهه ۱۳۴۰ شمسی، آغاز دوره تازه‌ای در ادبیات کودکان و نوجوانان است. در این دهه، اهمیت ادبیات کودکان بیشتر شناخته می‌شود و تأسیس سازمان‌هایی چون شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مرکز انتشارات آموزشی، به رشد و اعتلای ادبیات کودکان کمک مؤثری می‌کند.

همچنین، منافع اقتصادی ترجمه، موجب شد که ناشرانی چون نور جهان، فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به ترجمه و انتشار بسیاری از کتاب‌های کودکان و نوجوانان اقدام کنند. در این دوره، ترجمه کتاب‌های کودکان و نوجوانان کشورهای دیگر دنبال شد و کیفیت بهتری یافت.

بررسی کمی کتاب کودک و نوجوانان در دهه ۴۰، نشان می‌دهد که ترجمه بر تألیف فزونی دارد. این روند تا دوره انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد و در سال‌های

در تعریف ترجمه ادبیات کودکان، می‌توان گفت که ترجمه ادبیات کودکان، فرایندی است شناختی؛ از مخاطب اصلی و مخاطب مقصد که در آن علاوه بر فرایند کلی ترجمه، برگردان متن بر پایه دانش زبانی مخاطب و با توجه به جنبه‌های زیبا شناختی اثر صورت می‌گیرد. مترجمان این حوزه، با معضلات خاصی چون شناخت مخاطب، تطبیق اثر با شرایط خاص و بومی مقصد، انتخاب زبان و بیان مناسب و... مواجه‌اند.

همان‌طور که نوشتن برای کودکان، از دشوارترین حوزه‌های ادبی است، ترجمه این گونه آثار نیز دشوار است و به متخصص متبحر و آشنا با مسایل نظری زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان نیاز دارد.

تاریخ ترجمه

قدرت ترجمه، به قدمت ادبیات مکتوب است. اولین نشانه‌های ترجمه، در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، از مناطق آسور (آشور)، بین النهرین و مصر (۱۹۶ قبل از میلاد) به دست آمده است.

در فصل اول این تحقیق، به تاریخ ترجمه جهان در دوران باستان، در روم، در عصر مسیحیت، در قرون وسطی، ترجمه به زبان‌های محلی، ترجمه در عصر رنسانس، ترجمه متون مذهبی، ترجمه ادبی در قرن نوزدهم و در قرن بیستم پرداخته شده است.

فصل دوم این رساله، به تاریخ ترجمه در ایران پیش از اسلام، در دوران باستان، در دوره فارسی میانه، پس از اسلام، در ادبیات پهلوی، ادبیات دری و... اختصاص دارد. فصل سوم نیز به تاریخ ادبیات کودکان ایران، به اختصار پرداخته است.

اما فصل چهارم، تاریخ ترجمه ادبیات کودکان در ایران را بررسی می‌کند که به آن می‌پردازیم. در بخش ادبیات مکتوب، ادبیات خاص کودک و نوجوان در ایران، سابقه چندانی ندارد و کودکان و نوجوانان، بیشتر مخاطب آثاری بوده‌اند که برای بزرگسالان خلق شده بود. در مورد اولین ترجمه‌های ایران، این‌ندیم می‌نویسد: اولین کسانی که افسانه‌ها را گردآوردند و بخشی از آن‌ها را از زبان جانوران روایت نموده و مکتوب کردند و در گنجینه‌های خود نگاه داشتند،

پس از انقلاب هم کم و بیش همین وضع حاکم است.

فصل پنجم این تحقیق، تحلیل زبان شناختی ترجمه را بررسی می‌کند و به تفصیل به آن می‌پردازد. زیر تیتراهای این بخش، شامل ماهیت و چیستی زبان، ماهیت زبان‌شناسی، نظریه همگانی زبان، تعریف ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی، تعریف ترجمه ادبی و تعریف ترجمه ادبیات کودکان می‌شود.

در تعریف ترجمه ادبیات کودکان، این طور آمده است:

ادبیات کودکان و نوجوانان، شامل نوشته‌ها و سرودهایی است که نه تنها جنبه ادبی و هنری دارند، بلکه بر پایه زبان کودک و نوجوان آفریده می‌شوند. مطالعات روان‌شناختی زبان، نشان می‌دهد که علی‌رغم پیچیدگی نظام زبانی، کودک زبان را با سهولت و سرعت فرا می‌گیرد و این مهم، در محیط زبانی تحقق پیدا می‌کند. با این حال، یکی از ویژگی‌های زبان‌آموزی کودک، جنبه جهانی آن است. بدین ترتیب که کودکان در سرتاسر جهان، قطع نظر از جامعه، فرهنگ و نحوه پرورش متفاوت، در زبان‌آموزی از الگوی ثابتی پیروی می‌کنند.

بدیهی است که با توجه به تفاوت ساختاری زبان‌ها، تفاوت فرهنگی محیط‌های زبانی، تمایزات اجتماعی و تربیتی، دانش پایه و زبان پایه کودکان در محیط‌های زبانی، دارای تفاوت مشهود است و لذا فرایند ترجمه در حوزه ادبیات

درفصل ششم، به تحلیل مشکلات ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی پرداخته شده است.

مشکلات ترجمه در گذشته:

الف) عدم تسلط مترجم

ب) عدم تسلط به موضوع

ج) افراط و مبالغه

مشکلات زبان شناختی ترجمه:

زبان‌ها، در عین حال که در بنیاد و اساس، از قواعد جهان شمول برخوردارند، در نظام آوایی، نحوی و ارتباط معنایی و دیگر نظام‌های زبانی، ویژگی‌های خاص خود را دارند و چون ترجمه، فرایندی است که بر پایه تعادل و تطبیق زبان مبدأ به مقصد صورت می‌گیرد، انجام چنین فرایندی، چندان ساده نیست. دو جزء از اجزای تعادل، عبارتند از: (۱) تعادل واژگانی (۲) تعادل نحوی.

در کل، می‌توان گفت که در فرایند ترجمه عادی، متن زبان مقصد، معنای خاص خود را دارد. به عبارت دیگر، ارزش‌های عناصر زبان مقصد، تماماً از بطن روابط بافتی و صوری این زبان پدید می‌آید و ارزش‌های حاصل از روابط بافتی و صوری زبان مبدأ، به هیچ وجه به زبان مقصد منتقل نمی‌شود.

بنابراین، در تبیین شرایط تعادل باید گفت:

۱- عناصر زبان مبدأ و مقصد، زمانی معادل هم به

شمار می‌روند که در موقعیتی معین، قابل تعویض باشند.

۲- هم پوشی معنایی داشته باشند. البته، این بدان معنا نیست که در زبان مقصد نیز معادل‌هایی هم‌معنا با عناصر زبان مبدأ انتخاب کنیم، بلکه باید این معادل‌ها بیشترین هم پوشی ممکن را داشته باشند.

۳- در فرایند ترجمه، ایجاد تعادل نحوی، پس از تعادل واژگانی، دومین گام به شمار می‌رود. اما به دلیل تفاوت الگوهای نحوی در زبان، تعادل نحوی در همه جملات میسر نیست. بنابراین، غرض از بحث «تعادل ساختی» یا نحوی در فرایند ترجمه، این نیست که مترجم باید هر عنصر ساختاری «زبان مبدأ» را با

عنصر ساختاری مشابه در زبان مقصد جایگزین سازد. در فصل هفتم، به مشکلات خاص ترجمه ادبیات کودکان اشاره شده است که فهرست وار، به

عناوین آن می‌پردازیم:

۱- لزوم شناخت کودک

۲- رشد ذهنی و زبانی کودک

۳- مخاطب‌شناسی

۴- ترجمه و القای فرهنگی

۵- بی‌توجهی به دیدگاه‌های نقد ترجمه (از جمله

زبان‌شناختی، دیدگاه روان‌شناختی زبان، دیدگاه

جامعه‌شناختی زبان، دیدگاه فرهنگی، دیدگاه

سیک‌شناختی و دیدگاه ادبی).

۶- تطبیق و بومی‌شدگی

در کل، نتیجه‌ای که از مجموع بحث‌های این فصل می‌توان گرفت، چنین

است:

با بررسی‌های زبان‌شناختی و روان‌شناختی و تحلیل متنی و بررسی مسائل تعادل ترجمه‌ای، می‌توان دریافت که ترجمه، پدیده‌ای نسبی است و در ترجمه ادبیات کودکان، علاوه بر مشکلات عام در ترجمه، معضلات خاص وجود دارد. بنابراین، می‌توان مشکلات خاص ترجمه ادبیات کودکان را به صورت زیر

همان‌طور که نوشتن برای کودکان،

از دشوارترین حوزه‌های ادبی است، ترجمه این گونه آثار نیز دشوار است و به متخصص متبحر و آشنا با مسایل نظری زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان نیاز دارد

کودکان و نوجوانان، با معضل مخاطب‌شناسی، ایجاد تعادل (به ویژه درحوزه واژگانی و نحوی) و پدیده القای فرهنگی مواجه است.

ترجمه ادبی، نمودی منحصر به فرد از نوشته خلاق و تعبیری جدید از متن زبان مبدأ، در زبان و فرهنگ زبان مقصد است. در مجموع، چنین برمی‌آید که ترجمه ادبیات کودکان، تعریفی صریح و متقن ندارد. با این حال، می‌توان ترجمه ادبیات کودکان را به طور نسبی، با همان تعریفی که در ابتدای این خلاصه آوردیم، تبیین کرد.

خلاصه کرد:

نوجوان و آگاهی از میزان آشنایی آنان با مسایل نظری این حوزه و درک مشکلات علمی در کار ترجمه، پرسشنامه‌ای تنظیم گردید. پرسشنامه مذکور، حاوی یازده سؤال بود که بر پایه اصول ترجمه‌شناسی، تهیه و تدوین گردیده بود و از طریق شورای کتاب کودک تهران، در اختیار مترجمان ادبیات کودکان قرار گرفت. تنها پانزده نفر از مترجمان، پرسشنامه را تکمیل کردند و برگشت دادند که خلاصه‌ای از تحلیل این جوابها را می‌خوانید.

تحلیل داده‌ها

در کل می‌توان دریافت که ۳۳/۴ درصد از مترجمان این حوزه، بیش از ۲۰ اثر ترجمه کرده‌اند و ۲۶/۶ درصد کم‌تر از پنج اثر و ۴۰ درصد دیگر، بین ۵ تا ۲۰ اثر ترجمه داشته‌اند که از این میان ۲۰ درصد از مترجمان، نه تنها برای کودکان، بلکه به ترجمه آثار برای بزرگسالان پرداخته‌اند و ۶/۶ درصد از این مترجمان، تنها درباره ادبیات کودکان ترجمه داشته‌اند و ۷۳/۴ درصد به ترجمه آثاری برای کودکان مشغول بوده‌اند که بیانگر رویکرد مترجمان به ترجمه برای کودکان است.

اما در مورد شغل مترجمی، باید گفت که تنها ۲۶/۶ درصد از مترجمان شغلشان صرفاً ترجمه است که به طور متوسط ۱۷ اثر ترجمه کرده‌اند، اما ۷۳/۴ درصد، علاوه بر پرداختن به شغل مترجمی، به کار دیگری نیز مشغول بوده‌اند.

- ۱- لزوم شناخت کودک توسط مترجم
- ۲- لزوم شناخت اثر (مشکل انتخاب اثر)
- ۳- لزوم شناخت مخاطب (مخاطب‌شناسی اصل اثر و مخاطب‌شناسی در زبان مقصد)
- ۴- لزوم شناخت زبان و بیان اثر (سطح خوانایی اثر در زبان مبدأ) و تطبیق آن با دانش پایه و زبان پایه مخاطب زبان مقصد
- ۵- شناخت فرهنگی دو محیط متفاوت فرهنگی مخاطبان اصل اثر و مخاطبان در زبان مقصد
- ۶- لزوم شناخت دیدگاه‌های نقد ترجمه
- ۷- لزوم شناخت سبک اثر و تطبیق سبکی (تعادل سبکی بین اثر و ترجمه در زبان مقصد)
- ۸- لزوم شناخت مفاهیم تعادل و تطبیق (تعادل واژگانی، دستوری، معنایی و سبکی)
- ۹- لزوم شناخت قالب و محتوا در دو زبان مبدأ و مقصد
- ۱۰- لزوم شناخت تکنیک و پرداخت در متن اصلی و متن ترجمه شده (ضعف تکنیک و پرداخت در متن اصلی، موجب کاهش کیفیت ترجمه می‌شود.)

- ۱۱- لزوم هدفمند بودن ترجمه
- ۱۲- لزوم شناخت فضای فرهنگی تصاویر در متونی که تصویر دارد. تمایز فضای فرهنگی تصاویر با فرهنگ بومی، موجب درک نکردن متن توسط مخاطب می‌شود.

- ۱۳- لزوم شناخت مسائل تطبیقی و بومی‌شدگی در متون ترجمه
- اما مشکل مترجم ادبیات کودکان:
 - ۱) ناتوانی مترجم در درک زبان مبدأ
 - ۲) ناتوانی در انتقال مفاهیم
 - ۳) نداشتن ذوق هنری
 - ۴) وفادار نبودن به متن اصلی (ترجمه‌های متفاوت از سازده کوچولو و آیس در سرزمین عجایب، گواه این مسئله است.)
 - ۵) حرفه‌ای نبودن مترجم
 - ۶) استفاده نکردن فرهنگ یک زبانه توسط مترجم و تحمیل معنی شناخته شده به جمله
 - ۷) شناخت ناکافی از کودک و نیازهای او در زبان مقصد

بنابراین، مترجم ادبیات کودکان، انسانی نیک‌اندیش است که از مختصه‌های زبانی و کارکرد و تأثیر آن اطلاع دارد و رسالتش با استفاده از ابزار زبانی، انتقال حقایق انسانی، اخلاقی و علمی است و در جهت بسط و اشاعه فرهنگ پویای بشری گام برمی‌دارد.

در فصل هشتم، به بررسی آرا و دیدگاه‌های مترجمان ادبیات کودکان پرداخته شده است. در این فصل، این طور آمده است: اگرچه، با توجه به ضرورت و اهمیت ترجمه ادبی از نظر فرهنگی، ادبی و زبانی، پژوهش‌های نظری در این حوزه، به ویژه حوزه هنری ترجمه‌شناسی بر پایه داده‌های زبان‌شناسی ضرورتی تام دارد، با پژوهش‌های میدانی نیز می‌توان به حاصل اندیشه‌ها، تفکرات و تجربیات خبرگان و اهل نظر در حوزه‌های مختلف دانش و معرفت بشری دست یافت. بدین منظور، برای پی بردن به آرا و نظریات مترجمان ادبیات کودک و

با این حال، این مترجمان به طور میانگین ۱۸ اثر ترجمه کرده‌اند که در میان آن‌ها مترجم بسیار پرکار با ۴۸ اثر و مترجم کم کار با ۲ یا ۳ اثر دیده می‌شود. به هر حال، میانگین آثار ترجمه شده توسط هر دو گروه از مترجمان ۱۶ اثر است. در مورد نوع اثر ترجمه شده، باید گفت که ۸۶/۷ درصد مترجمان به ترجمه داستان و کمتر از ۱۳/۳ درصد به ترجمه انواع دیگر ادبی پرداخته‌اند به علاوه ۴۶/۶ درصد از آن‌ها مجموعه چند داستان و به همین نسبت افسانه و ۴۶/۶ درصد مجموعه چند افسانه را ترجمه کرده‌اند.

فرایند ترجمه در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان، با معضل مخاطب‌شناسی، ایجاد تعادل و پدیده القای فرهنگی مواجه است

حوزه شعر را هیچ مترجمی تجربه نکرده است و در خصوص زندگی نامه، فقط ۱۳/۳ درصد از مترجمان، آقاری به فارسی برگردانده‌اند.

در خصوص ترجمه آثار غیر داستانی، ۴۰ درصد از مترجمان به ترجمه علوم پرداخته‌اند و ۱۳/۳ درصد کتاب تاریخی ترجمه کرده‌اند.

در حوزه کلیات، تنها ۱۳/۳ درصد از مترجمان، به دایرةالمعارف پرداخته‌اند. مهم‌ترین مسئله در ترجمه یا تلویین دایرةالمعارف‌ها، این است که دایرةالمعارف باید پاسخگوی نیاز کودکان ایرانی باشد. اما در حوزه کتاب‌های تصویری، فقط ۲۰ درصد از مترجمان چنین کتاب‌هایی را ترجمه کرده‌اند.

در خصوص تشخیص مخاطب اثر اصلی، ۹۳/۴ درصد مترجمان می‌گویند که از بررسی زبان و بیان نوشتار، به گروه سنی مخاطبان اصل اثر پی برده‌اند.

۱۳/۴ درصد نیز به اطلاعات کتاب‌شناختی اثر مراجعه کرده‌اند. ۶/۶ درصد نیز هیچ معیاری برای تشخیص نداشته‌اند. در میان مترجمانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، مترجمی که به هیچ کدام از معیارهای انتخاب توجه نداشته، بیش از سی اثر ترجمه کرده، مشخص نیست با چه معیاری این آثار انتخاب و ترجمه شده است. نام برده، در پاسخ به سؤال پنج نیز هیچ پاسخی نداد.

در مورد این که اصل اثر ترجمه شده مربوط به کدام گروه سنی است، باید اشاره کرد که ۲۰ درصد مترجمان، بنا به تشخیص خود، آثارشان را برپایه سطح خوانایی مخاطبان گروه الف انتخاب کرده‌اند و ۲۰ درصد گروه ب و ۴۰ درصدشان گروه ج را مد نظر داشته‌اند.

۶۶/۶ درصد از آثار گروه (د) و ۲۶/۶ درصد آثارشان را از میان مخاطبان گروه (ه) انتخاب کرده‌اند. به علاوه، ۲۰ درصد گروه‌های سنی (ج)، (د) و (ه) را مد نظر داشته‌اند و ۳۳/۳ درصد، کتاب‌های گروه‌های سنی الف، ب، ج، د را ترجمه کرده‌اند.

در مورد این سوال که آیا مخاطبان اثر ترجمه شده، هم سن گروه سنی مخاطبان اثر اصلی هستند، باید گفت که با توجه به پاسخ ۹۳/۶ درصد مترجمان به سؤال شش و عدم آگاهی آنان از معیارهای علمی ترجمه‌شناسی، در حوزه زبان‌شناختی و روان‌شناختی و بی توجهی به مسئله مخاطب‌شناسی، پاسخ ۶۶/۶ درصد آنان پاسخ دقیقی نیست و ضرورت دارد اصل مخاطب‌شناسی در زبان مبدأ و مقصد، بیشتر مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

در مورد ایجاد تعادل بین زبان مبدأ و مقصد، ۱۳/۳ درصد از مترجمان در چهار مورد تعادل دستوری، واژگانی، معنایی و سبکی و هم‌چنین ترجمه عنوان با مشکل مواجه بوده‌اند. ۶۶/۶ درصد از مترجمان، معتقدند که تنها مشکل‌شان، ایجاد تعادل سبکی بوده است. در حالی که ۱۳/۳ درصد با مشکل تعادل دستوری، ۵۳/۳ درصد با مشکل ایجاد تعادل واژگانی، ۲۶/۶ درصد با مشکل ایجاد تعادل معنایی و ۳۳/۳ درصد با مشکل ایجاد تعادل سبکی مواجه بوده‌اند. ۴۰ درصد نیز عقیده دارند که مشکل ترجمه عنوان داشته‌اند و ۲۶/۶ درصد مشکلات دیگر را در ترجمه بر شمرده‌اند که در ادامه، به طرح آن پرداخته خواهد شد.

مشکلات مطرح شده از دیدگاه مترجمان، عبارت است از:

۱- ترجمه ویژگی‌های فرهنگی (رسم و رسوم) ضرب‌المثل‌ها، غذاها.

۲- حذف اجباری بعضی عبارات، واژگان یا حتی بندها، به دلیل وجود ممیزی در زبان مقصد.

۳- ترجمه بعضی عناوین که برای مخاطب اصلی گویاست، اما در صورت رعایت تعادل واژگانی (حداقل از جنبه تعداد واژگان) و اصل اختصار، برای مخاطب زبان مقصدگویا نیست و به توضیح اضافی نیاز دارد.

۴- انتخاب کتاب مناسب برای برآوردن نیاز کودک ایرانی

۵- بی توجهی ناشران به معیارهای ادبیات اصیل و توجه بیشتر به کتاب‌های بازاری.

از بررسی کلی، چنین استنباط می‌شود که علی‌رغم ضرورت توجه به مسائل نظری در حوزه ترجمه‌شناسی، به ویژه بحث تعادل که مهم‌ترین فرایند ترجمه است، مترجمان چندان توجهی به این حوزه ندارند و تنها به اتکا به دانسته‌های خود و برپایه میزان آشنایی خود با زبان مبدأ و مقصد، به کار ترجمه می‌پردازند.

در مورد ویژگی‌های مترجم ادبیات کودکان مترجمان موارد ذیل را بر شمرده‌اند:

۱- دارا بودن ویژگی‌های یک مترجم خوب به طور عام.

۲- آشنا بودن با حوزه ادبیات کودک و نوجوان و مطالعه مستمر در این حوزه

۳- توانایی در به کار بردن زبان، مطابق سطح خوانایی گروه مخاطب. منظور این نیست که ساده‌نویسی کند یا عامیانه حرف بزند، بلکه ساده‌نویسی و درست‌نویسی برای کودکان را بداند.

۴- آگاه باشد که حوزه ادبیات کودکان، حوزه‌ای چندان سهل و ساده نیست.

۵- انگیزه لازم برای کار در این حوزه را داشته باشد و به کار برای بچه‌ها عشق بورزد.

۶- علاوه بر توانایی نوشتن، خلاق باشد.

۷- کودک را بشناسد و با مطالعه در حوزه روان‌شناسی کودک، نیازهای روحی او را درک کند.

۸- در انتخاب اثر وسواس به خرج دهد و بر پایه نیازهای کودک و با توجه به ضوابط فرهنگی حاکم در جامعه، کتاب انتخاب کند.

۹- مترجم باید حس زیباشناسی قوی داشته باشد و به مسایل زیباشناختی اثر توجه کند.

بنابراین، مترجم خوب از دید مترجمان، عبارت است از مترجمی که همه ویژگی‌های یک مترجم خوب را دارا است، به مسائل کودک و نوجوان آگاهی دارد، زبان کودک را می‌داند، به مسایل فرهنگی جامعه توجه دارد و با درک مسایل زیباشناسی، انتخاب اثر و برگردان آن در تعارض با ارزش‌های فرهنگی قرار نمی‌گیرد.

این بررسی، نشان می‌دهد که علی‌رغم رویکرد مترجمان به این حوزه، متأسفانه مترجمان ما دیدگاهی علمی نسبت به این مسئله ندارند و ضرورت دارد حوزه ترجمه، مانند سایر رشته‌ها تخصصی شود و حداقل در مقطع کارشناسی ارشد، ضمن تعیین گرایش‌ها، گرایش حوزه ادبیات کودک ایجاد و نسبت به تربیت مترجمان صاحب نظر و صاحب ذوق در این رشته، اهتمام شود.

در فصل آخر این پایان‌نامه، به بررسی ترجمه‌های فارسی «آلیس در سرزمین عجایب»، نوشته لویس کارول، از دیدگاه‌های مختلف پرداخته شده است.